

سیاه، سفید، خاکستری

نقد و بررسی شخصیت قدسی دو پیامبر در سریال «یوسف پیامبر»



سلمان رضوانی

مجموعه تلویزیونی یوسف پیامبر از مجموعه‌هایی است که در ژانر تاریخ مقدس ساخته شده است که در نوع خود از جهات مختلفی کم نظیر است: - از این جهت که تمرکز آن روی یکی از قصه‌های قرآنی است که به فرمایش خود قرآن کریم از بهترین داستان‌هاست (احسن القصص). - از طرفی به لحاظ وجوه دراماتیک این قصه قرآنی، از جمله متون تاریخ مقدس است که قابلیت دراماتیزه و تصویری شدن را به میزان زیادی داراست.

به لحاظ اقبال عمومی نیز می‌توان این مجموعه تلویزیونی را از پدیده‌های منحصر به فرد در محصولات تلویزیونی در تاریخ تلویزیون ایران دانست، به طوری که بیش از ۹۰ درصد از مخاطبان را جذب خود نمود و نه تنها در ایران، بلکه در ده‌ها کشور دیگر نیز پخش شد و مورد اقبال عمومی

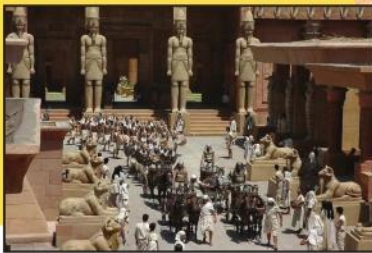


مخاطبان سایر کشورها نیز قرار گرفت. همچنین این مجموعه به لحاظ حجم تولید از مجموعه‌های پر هزینه سازمان صدا و سیماست که هم از لحاظ ریالی و هم از لحاظ طول زمان تولید هزینه زیادی را به خود اختصاص داده است و به اصطلاح از کارهای الف ویژه سازمان صدا و سیماست. از طرفی سازنده این مجموعه نیز در کارنامه خود نمونه‌هایی از ژانر تاریخ مقدس را داراست؛ مانند ایوب پیامبر و مردان آنجلس که انتظار مخاطب و منتقدین را نیز افزایش می‌دهد. بنا بر این این مجموعه از زوایای مختلف همچون فرم، محتوا، میزان انطباق آن با منابع تاریخی روایی و تفسیری وفاداری به اصل داستان یوسف پیامبر و... قابل تحلیل و بررسی می‌باشد که نقد آن نیازمند مجال وسیعی است و از حوصله این گفتار خارج است.

به همین دلیل سعی می‌شود در این نوشته به جای پرداخت پراکنده به موضوعات مختلف، موضوع واحدی در این فرصت کوتاه بررسی می‌شود. با توجه به این که این مجموعه تلویزیونی با محوریت شخصیت حضرت یوسف دنبال می‌شود مطلوب است که کمی درباره نوع شخصیت‌پردازی پیامبران در این مجموعه مطالبی عرضه شود. به طور کلی شخصیت‌پردازی در فیلم‌های داستانی به سه صورت انجام می‌گیرد: شخصیت‌های

سفید. (شخصیت‌هایی که مطلقاً مثبت هستند)، سیاه (شخصیت‌هایی که مطلقاً منفی هستند) و خاکستری (شخصیت‌هایی که وجوه مثبت و منفی را با هم دارند) که در این میان نوع شخصیت خاکستری مطلوب فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان می‌باشد؛ چراکه این نوع شخصیت‌پردازی قابلیت دراماتیک فراوانی دارد و فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان در این نوع شخصیت‌پردازی آزادی عمل بیشتری دارند. به همین دلیل در بین نویسندگان و کارگردانان مشهور است که در پرداخت شخصیت‌های مطلقاً سفید و سیاه، مخاطب با این‌گونه شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری نداشته و با این شخصیت‌ها نسبتی برقرار نمی‌کند.

لذا همواره معیار مشخصی برای پرداخت به این دو نوع شخصیت وجود ندارد و فیلم‌سازان نیز از مواجهه با این شخصیت‌ها تا حد امکان پرهیز می‌کنند و سعی می‌کنند تا شخصیت‌های این چنینی به طور غیر مستقیم و در سایه هر اثر هنری‌شان حضور داشته باشند. پس اگر اثری به صورت مستقیم و با محوریت شخصیتی مقدس مانند یوسف پیامبر ساخته می‌شود، باید دید آیا توانسته است پرداخت درستی از این شخصیت ارائه دهد یا خیر. چراکه از یک طرف باید به وجوه بشری این‌گونه شخصیت‌ها پرداخته شود تا



تصویر کشیده شده است. نوع شخصیت‌پردازی در مقاطع مختلف زندگی یوسف پیامبر با فراز و نشیب‌هایی همراه است.

به طور مثال شخصیت خردسالی حضرت یوسف بسیار ضعیف پرداخت شده و کارگردان نتوانسته است بازیگر نقش کودکی یوسف پیامبر را به درستی هدایت نماید. اگر در جاهایی دیالوگ به کمک این شخصیت نشتابد و یا مخاطب از اطلاعات و دلبستگی‌های خودش مایه نگذارد خود شخصیت بسیار الکن می‌باشد؛ البته باید به کارگردان حق داد، چراکه پرداختن به این چنین شخصیت‌هایی کاری است بس دشوار، اما این مسأله را نباید از نظر دور داشت که نزدیک شدن ناصواب و ناقص به این چنین شخصیت‌هایی که ریشه در ذهنیات، داوریه‌ها و اعتقادات دینی مخاطب دارد آسیب جبران‌ناپذیری را در ذهن مخاطب به‌خصوص مخاطب جوان خواهد گذاشت و لذا نگرانی علمای دینی نسبت به تصویر نمودن شخصیت‌های معصوم نگرانی به جایی است.

درباره شخصیت جوانی و بزرگسالی یوسف پیامبر این اشکالات به مراتب کمتر است و کارگردان تا حدودی توانسته است به برخی از وجوه قدسی پیامبر نزدیک شود، اما در یک نگاه کلی باز هم چنان نقصان در شخصیت‌پردازی پیامبران به قوت خود باقی است. امید است در کارهای آتی کارگردانان متعهد کشورمان این کار با دقت و ظرافت بسیار بیشتری صورت پذیرد و صورتی دلپذیر و شایسته از شخصیت‌های الهی نزد مخاطب پدیدار گردد.



برخی از نقاط ضعف این مجموعه را بازگو کنند، اما متأسفانه این نقد دلسوزانه نیز مورد پذیرش ایشان واقع نشد.

«دیدار آشنا» که خود را متعلق به خانواده مطبوعات ارزشی کشور میدانند با ارج نهادن به تلاش شایسته آقای سلحشور در ساخت مجموعه -ای دینی و اخلاص و تعهدی که در ساخت این سریال به کار بستند، پرونده ویژه این شماره دیدار را به نقد و بررسی این سریال اختصاص داد. امید است گام مبارکی که ایشان در تولید یک مجموعه تلویزیونی با رعایت بسیاری از چارچوب‌های دینی برداشتند الگویی برای سایر هنرمندان پرتلاش کشور گردد و بیش از پیش شاهد حفظ ارزش‌های دینی در کارگاه‌های برنامه‌سازی کشور باشیم.

تصویر شده است که حتی در مناسبات خانوادگی گرفتار آمده و اسیر زن و فرزند است. چه رسد به این که بتواند نقش پیامبری را در میان قوم خود به خوبی ایفا نماید.

نکته دیگر آن که شخصیت یعقوب نبی به جای این که شخصیتی فعال و مبتنی بر فعل باشد، مبتنی بر دیالوگ است؛ یعنی کارگردان محترم وجوه قدسی را در بیان شخصیت یعقوب تصویر نموده است. لذا اگر دیالوگ را از این شخصیت حذف نماییم دیگر یعقوب پیامبری در مجموعه وجود نخواهد داشت و مخاطب بیش‌تر رسالت را در دیالوگ‌های یعقوب شاهد است تا در مناسبات اجتماعی، حرکات و سکنات او.

درست است که از ویژگی‌های پیامبران الهی این است که از میان مردم به پا خواسته‌اند و در میان مردم و همانند آنها می‌زیسته‌اند، چراکه خود قرآن می‌فرماید: (قل انما انا بشر مثلكم...) اما این نکته نباید ما را از ویژگی‌های برجسته و خاص پیامبران در نسبت با سایر مردم غافل کند و هنر سازنده این نوع آثار تاریخی مقدس این است که این وجوه قدسی را در نهایت دقت و ظرافت پرداخت نماید.

وجه دیگری که ضعف شخصیت‌پردازی یعقوب در این مجموعه را برجسته میکند، انتخاب نامناسب بازیگر متناسب با این شخصیت با آن وجوهی که در بالا آمده می‌باشد. به نظر می‌رسد آقای محمود پاک‌نیت، علی‌رغم همه توانایی‌هایی که در بازیگری دارند نتوانسته‌اند از عهده این نقش به خوبی برآیند و آن‌طور که باید این وجوه قدسی و بشری را توأم در این کاراکتر ایفا نمایند.

شخصیت دیگری که در این مجموعه به عنوان پیامبر تصویر شده و به نوعی محور این مجموعه می‌باشد، شخصیت یوسف پیامبر است که از دوران خردسالی تا دوران پیامبری ایشان به

مخاطب نیز به عنوان یک بشر با این شخصیت همراهی نماید و از طرفی به وجوه قدسی این گونه شخصیت‌ها با نهایت دقت و ظرافت پرداخته شود تا از زمینی شدن و بشری شدن صرف ایشان جلوگیری گردد و همین دو عامل، انتظار مخاطب



را از سازنده این ژانر بالا می‌برد و فیلم‌ساز باید در یک رفت و برگشت منطقی بین این دو وجه (قدسی و بشری) از شخصیت پیامبر شخصیتی مطلوب و در خور ارائه نماید. با حفظ این دو مقدمه به تحلیل مختصری از شخصیت‌پردازی پیامبران این مجموعه (یعقوب و یوسف پیامبر) پرداخته میشود. بیننده در این مجموعه با شخصیت‌پردازی دو پیامبر روبه‌رو میشود، اما هر کجا فیلم‌ساز مجموعه به سراغ شخصیت پیامبران رفته، متأسفانه کمتر توانسته است به شخصیت‌های مورد انتظار مخاطب نزدیک شود.

یعنی نگاهی که فیلم‌ساز به پیامبران در این مجموعه داشته است بیشتر یک نگاه بشری است و هر کجا که به وجوه قدسی پیامبر نزدیک میشود، پرداخت شخصیت به صورت ناقص و گاه همراه با نگاهی عوامانه به عالم پیامبری می‌باشد. فیلم‌ساز نتوانسته شخصیت‌های پیامبران را در قد و قواره پیامبری ترسیم نماید.

به عنوان مثال اگر شخصیت یعقوب پیامبر را با شخصیت دیگری که عنوان پیامبری در او صدق نمی‌کند جابه‌جا کنیم اتفاق مهمی رخ نمی‌دهد و به ساختار داستان آسیبی نمی‌رسد. یعقوب در این مجموعه به عنوان بزرگ یک قوم (نه پیامبر)

یادداشت سردبیر

سریال «یوسف پیامبر» یکی از مهمترین برنامه‌های تولیدی صدا و سیما در دهه اخیر است که با توجه به حجم هزینه‌ها و همچنین استقبال گسترده مخاطبین در ایران و بسیاری از کشورهای همسایه، نظر بسیاری از منتقدین را به خود جلب کرده است. در این میان برخی رسانه‌ها با بداخلاقی‌های مطبوعاتی سعی کردند با برجسته نمودن ضعف‌های موجود در سریال و بزرگنمایی آنها، تمامی نقاط مثبت این مجموعه را نادیده بگیرند و در جهت تخریب چهره ارزشی و متعهد کارگردان این سریال، فرج... سلحشور هر چه بتوانند، بکوشند؛ حتی برخی از آنها با فراتر